

بسم الله الرحمن الرحيم

نه پکن، نه واشنگتن؛ قطب‌نمای ما مدینه است!

(ترجمه)

امروزه بسیاری از مسلمانان سرگرم دنبال کردن صعود چین و عقب‌نشینی امریکا هستند و پیوسته بحث می‌کنند: کدام یک قوی‌تر است؟ کدام بر دیگری چیره خواهد شد؟ آیا چین می‌تواند جای امریکا را به‌عنوان یک قدرت بزرگ بگیرد؟ آیا امریکا بی‌رقیب است؟ اما پرسش اصلی این است: چرا ما مسلمانان خود را درگیر این کشمکش کرده‌ایم؟ چرا از خود نمی‌پرسیم: جایگاه ما کجاست؟ پروژه و طرحی ما برای آینده چیست؟ موقعیت ما در این جهان کجاست؟

وقتی انگلیس و فرانسه قدرت‌های جهانی بودند، ملت‌ها را کوبیدند و تمدن‌ها را ویران کردند. امروزه نیز امریکا همان کار را می‌کند؛ با زور و سرکوب سلطه‌اش را تحمیل می‌کند و ملت‌های جهان را به نام نظام جهانی به بردگی می‌گیرد.

پس آیا ما می‌خواهیم چین جایگزین شود؟ آیا اگر جلاد عوض شود، سرنوشت امت تغییر می‌کند؟ مشکل اینجاست که برخی مسلمانان به جای آن‌که امت را برای برپایی موجودیت سیاسی‌اش و دولت اسلامی‌اش بیدار کنند، به دنبال توهم قدرت‌های جهانی می‌دوند، از تجربه‌های دیگران می‌خوانند و غافل‌اند از این‌که ما خود الگویی الهی داریم که سرچشمه‌اش وحی است.

برخی عقب‌ماندگی ما را با این توجیه توصیف می‌کنند که گویا عقل عربی ناتوان است یا قدرت همراهی با نظریه‌های جدید را ندارد و چنین وانمود می‌کنند که غرب به این دلیل پیشی گرفت که فیلسوفان و اندیشمندان بزرگی داشت.

اما واقعیت این است که غرب به‌سبب عظمت فلسفه‌هایش بر جهان چیره نشد؛ بلکه با قدرت نظامی و سلطه اقتصادی‌اش سیطره یافت. در سال ۱۴۹۲ میلادی با آتش و آهن بر امریکای لاتین مسلط شد، نه با حکمت و عقل و اقناع. آنان اساساً غیر اروپاییان را انسان به‌شمار نمی‌آوردند. فیلسوفی چون نیچه حتی اعلام کرد: «الله مرده است»!

پس آیا چنین تمدنی شایسته اقتدا و پیروی است؟ لذا غرب هیچ راه‌حل واقعی برای بشریت ارائه نکرده، بلکه خود علت اصلی بحران‌های آن است.

اما ما مسلمانان، امتی داریم که پروژه‌ای عظیم و الهی در اختیار دارد؛ طرحی که از بشر گرفته نشده، بلکه از خالق بشر نازل شده است. الگوی ما نه در چین است و نه در امریکا؛ بلکه در اسلام است. در دولت خلافتی که عدالت را برپا می‌کند، محاصره‌ها را می‌شکند و انسان را از بندگی ستمگران آزاد می‌سازد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكَرُونَ﴾

ترجمه: آیا آنان پیامبرشان را نمی‌شناسند که او را انکار می‌کنند.

پس چگونه الگوی پیامبرمان ﷺ را انکار کنیم و در زباله‌دان غرب دنبال جایگزین بگردیم؟ چگونه به دنبال بدیل باشیم در حالی که اصل و حقیقت نزد ماست؛ اصلی که نزدیک به سیزده قرن بر جهان حکومت کرد و جامعه را از خیری به خیر دیگر رساند؟ زمان

برخاستن فرا رسیده، نه پیروی کورکورانه؛ زمان بازگرداندن الگوی الهی فرا رسیده، نه شادی کردن به این که ظالمان یکدیگر را می‌کوبند!

ما امتی هستیم که حقیقت هستی را شناخته‌ایم، هدف زندگی را دانسته‌ایم، به معاد ایمان داریم، می‌دانیم از کجا آمده‌ایم، چرا اینجا هستیم و سرانجام‌مان کجاست.

ما هرگز امتی سرگشته و بی‌معنا نبوده‌ایم که در جستجوی مفهوم زندگی باشد؛ بلکه امتی بوده‌ایم که بشریت را از تاریکی جهل به نور وحی بیرون کشیدیم؛ وحی‌ای که بر سرورمان محمد صلی الله علیه وسلم نازل شد و ما و همهٔ مردم را راهنمایی کرد تا خالق خویش را بپرستند، نه انسان‌ها یا ماده را. پس ما از وحی آسمانی تمدنی ساختیم نه بر مجموعهٔ ملت‌ها و نه با غارت ثروت‌ها، بلکه بر پایهٔ عدالت، خیر و رعایت حقوق انسان و با نگاه به انسان به‌عنوان مخلوق الله سبحانه و تعالی.

تمدنی برپا کردیم که سرچشمه مفاهیمش وحی بود و علوم سودمند در طب، نجوم، کیمیا و ریاضیات پدید آوردیم و بیش از سیزده قرن چراغ راه بشریت بودیم تا زمانی که دچار ضعف شدیم.

بلی، ما دورهٔ ضعف را تجربه کردیم؛ هنگامی که حملات پیاپی تاتارها و صلیبیان بر پیکر امت فرود آمد؛ اما سقوط نکردیم. ممالیک قیام کردند، سپس عثمانیان پرچم را به دوش گرفتند و پرچم اسلام همچنان برافراشته ماند تا زمانی که کوتاهی در میدان فکری حمل اسلام رخنه کرد، فاصلهٔ میان زبان عربی (زبان قرآن) و حاکمان بیشتر شد و شکست فکری بر امت چیره گشت.

در همین زمان، حملات صلیبی پیکر امت را می‌فرسود، تعصبات متعفن ملی‌گرایی و قوم‌گرایی را برافروختند و خیانت اروپا ادامه یافت تا آن که در توافقنامهٔ سایکس-پیکو آشکار شد. پیکر امت را تکه‌تکه کردند، حاکمان خائن بر ما گماردند و ما از پیشوایان به پیروان تبدیل شدیم. از همان غربی‌گدایی می‌کنیم که حتی معنای وجود را نمی‌فهمد و جز ارزش مادی هیچ ارزشی در رفتارهایش ندارد.

امروزه برخی تاریخ خود را نمی‌شناسند، پس خود را خوار می‌شمارند و می‌پندارند عزّت در پیروی از دیگران است و پیشرفت بر سفره‌های استعمار به‌دست می‌آید؛ در حالی که عزّت ما جز در اسلام نیست و شکوه و مجد ما جز با برپایی خلافت بر منهج نبوت بازخواهد گشت.

وَعْدَةُ اللَّهِ سبحانه و تعالی آمدنی است؛ پس مانند منافقانی نباشیم که گفتند:

﴿مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾

ترجمه: آنچه الله و پیامبرش به ما وعده دادند جز فریبی نبود.

بلکه بگوییم چنان که راست‌گویان گفتند:

﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾

ترجمه: این همان است که الله و پیامبرش به ما وعده دادند و الله و پیامبرش راست گفتند.

پس بیدار شوید ای امت اسلامی! شما امت با عزّت هستید، نه ذلت؛ امت پیشوایی و رهبری، نه پیرو و وابستگی. آری، ما امتی هستیم که حقیقت هستی را شناخته‌ایم؛ امتی که دانست چرا آفریده شده و سرانجام به کجا خواهد رفت؛ نوری را بر دوش کشید و به جهانیان رساند و بشریت را از تاریکی جهل به نور توحید بیرون آورد.

ما همان امتی هستیم که تمدن اسلام را بر پایهٔ وحی برپا کردیم، نه بر اساس هوس‌ها و فلسفه‌های ساختگی بشر. ما قرن‌ها پیشوایان دنیا بودیم؛ حق، عدالت و دانش را در جهان می‌گسترديم. سپس روزی فرا رسید که صفوف‌مان از هم پاشید، همت‌ها سست شد و سلطهٔ ما به‌دست استعمار و ابزارهایش رבוته شد و آفتاب عزت‌مان غروب کرد.

هر که تاریخ را منصفانه مرور کند می‌داند که این دین نمی‌میرد و این امت هرچند بیمار گردد، از پای نمی‌افتد. پس به وضع ذلت بار فعلی دل نبند و گمان نکن که این وضع پایدار است؛ و نیز توهم مکن که باطل تا ابد برقرار خواهد ماند. امت ما از خاک خود مردان می‌رویند؛ خصلت پرورشی و مسئولیت‌پذیری‌اش نسبت به انسان‌ها در رگ‌هایش جاری است؛ قرآنش زنده است که همت‌ها را بیدار می‌سازد و جهت‌گیری‌اش را معین می‌کند. از این‌رو امروز باید قطب‌نما را به‌سوی یک هدف واحد چرخاند: بازپس‌گیری دولت اسلام (دولت خلافت) تا زندگی اسلامی از سر گرفته شود و ما به عنوان مسلمانان وظیفهٔ خویش را انجام دهیم: پیاده‌سازی پیام اسلام در داخل و اظهار آن به جهانیان از طریق دعوت و جهاد. الله متعال فرمود:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

ترجمه: و بر ما واجب بود یاری مؤمنان.

این وعدهٔ الله سبحانه و تعالی است و الله و پیامبرش راست گفتند. پس بیدار شوید ای امت اسلامی! به منهج پروردگارتان بازگردید و با برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت رهبری جهان را از نو به دست بگیرید!

نویسنده: میاس المکردی – ولاية اليمن

مترجم: پارسا امیدی